



علی باقریان



● **گهر هایک اندر دگر** [۱]ساختند [۲]
دگرگونه گردن برافراختند [۳]
● **پدید آمد این گنبد تیزو** [۴]
شگفتی نمایندۀ نوبه نو

● **در او دۀ ودو** [۵]برج [۶]آمد پدید
بیخشید داندۀ چوان سزید [۷]
● **آبر** [۸] دۀ و دو هفت [۹] شد
کدخدای [۱۰]

گرفتند هر یک سز او از جای
● **فلک ها** [۱۱] یک اندر دگر بسته شد
بجنید چون گاز پیوسته شد [۱۲]

۱- یک اندر دگر: هر یک در دیگری. ۲- ساختند: ترکیب شدند. ۳- گردن برافراختند: بالیدند و نمایان شدند. ۴- گنبد تیزو: آسمان گردو گردان (به پندار پیشینیان). ۵- دۀ ودو: دوازده. ۶- برج: موضعی که خورشید هر ماه در آن قرار می گیرد. ۷- سزید: سز او را بود. ۸- آبر: نر. ۹- هفت: هفت طبقه فلک یا آسمان. یاهفت ستاره یاسیاره که به ترتیب عبارت اند از ماهوتیر (عطارد) وناهید(زهره) و آفتاب و بهرام (مریخ) و برجیس (مشتری) و کیوان (زحل) (به پندار پیشینیان). ۱۰- کدخدای: سرور. ۱۱- فلک ها: همان هفت. ۱۲- پیوسته شد: درست و هموار شد.

برای شنیدن این ابیات، کدر و بهر و را اسکن کنید:



تکه ای از تاریخ خردورزی

ساعت هایی در موزه دانشگاه فردوسی مشهد و گذری بر یادبودهای ادبی و فرهنگی آن

گزارش

محبوبه عظیم زاده | مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد، که سال ۱۳۸۳ تأسیس شده است، همراه با باشگاه مفاخر و پیشکسوتان دانشگاه و همچنین موزه آن، که البته هردو زیرمجموعه همین مرکز محسوب می شوند، همچنان که از نام آن هم پیداست، کانون گران بها ترین میراث بزرگ ترین مرکز دانشگاهی مشهد است. این مرکز در برهه ای از زمان دچار یک رکود ده ساله شد، اما دوباره از اردیبهشت ۱۳۹۳، به فعالیت خود ادامه داد و بیش از پیش روی اهداف خود تمرکز کرد. به صورت کلی، باید گفت که جمع آوری، حفظ و نشر اسناد و آثار مرتبط با بزرگان علمی و ادبی دانشگاه و همچنین پاسداشت مفاخر آن اهم اهداف و فعالیت های این مجموعه است. اما اینکه این مرکز به صورت جزئی چه اهدافی را دنبال می کند، بخشی از مطلب امروز است. همچنین، ما به همراه جواد راشکی علی آباد، کارشناس این مجموعه، سرکی کشیده ایم به موزه مفاخر دانشگاه فردوسی مشهد که شرح این بازدید بخش دیگری از مطلب امروز ماست.

● تنها موزه ای که تاریخ دانشگاهش را روایت می کند

اینجا، هم زمان، یک تکه از تاریخ این شهر و تاریخ این دانشگاه است. به صورت مشخص، موزه دانشگاه فردوسی مشهد قرار است تاریخچه دانشگاه را برای ما روایت کند، از ریزترین و جزئی ترین مسائل گرفته تا هر تغییر و تحولی که در کلیت آن اتفاق افتاده است، از تغییر اسامی و تغییر لوگوی دانشگاه که تصاویر آن به دیوارهای موزه اویخته تا تصاویر هوایی از تحولات ارضی دانشگاه که حالا برای تماشای بازدیدکنندگان از سقف آویزان است. راشکی می گوید، موزه دانشگاه فردوسی مشهد اولین موزه ای است که تاریخ خود را روایت می کند، «موزه هایی هستند که دست روی موضوع خاصی گذاشته اند. مثلا موزه جانورشناسی، اما چنین چیزی در دانشگاه های دیگر نداریم، به ناگهی یکی در دانشگاه بیرجند تأسیس شده که البته اقتباسی است از همین کار دانشگاه فردوسی مشهد.»

و چنان که انتظار می رود، اولین چیزی که در بدو ورود به موزه به چشم می خورد دیوارنوشتی است مزین به سه بیت از «شاهنامه» با کالیدوازه «خرد»، به همراه فرشگانی که آن را به عنوان ودیعه ای از جانب خداوند برای انسان هدیه آورده اند: «خرد رهنمای و خرد دل گشای/ خرد دست گیرد به هر دو سرای // خرد چشم جان است چون بنگری/ که بی چشم شادان جهان نسیری // کسی کاو خرد راندارد به پیش / دلش گردد از کرده خویش ریش.»

● دانشکده ادبیات، اولین دانشکده دانشگاه فردوسی

ادب و ادبیات در این موزه سهم درخور توجهی دارد؛ و البته نگاهی به سابقه تشکیل این دانشگاه و دانشکده های آن می گوید که باید هم چنین باشد. دانشکده ادبیات، اولین دانشکده دانشگاه فردوسی است که سال ۱۳۳۴ تأسیس شده است. اگر به صورت جزئی تر بخواهیم بگوییم، دانشگاه مشهد، قبل از انقلاب، اعم از دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم پزشکی بوده است. به این ترتیب، دانشکده پزشکی که سال ۱۳۲۸ تأسیس شده است در بین دانشکده های دانشگاه مشهد، بیشترین قدمت را دارد. اما از سال های ۶۵-۱۶۶ دو دانشگاه کاملا از هم جدا می شوند، براین اساس، اولین دانشکده دانشگاه فردوسی مشهد می شود دانشکده ادبیات، نکته ای که البته در خود موزه هم درخور مشاهده است و در توالی دانشکده های احداث شده -که حالا نمایی از در ساختمان آن ها قاب گرفته شده و روی دیوار است- این دانشکده -که امروز به نام دکتر علی شریعتی است- جایگاه اول را دارد.

● یادی از قهرمان و فرخ

محمود فرخ یکی از بزرگان دنیای ادبیات خراسان است که نامش در این موزه به چشم می خورد، کسی که به گفته راشکی، با چانه زنی های فراوان، نقش پررنگی در تأسیس دانشگاه فردوسی داشت. اردیبهشت ۵۳، اعطا می شود و -به قول شاعر- چشم دوستان را روشن می کند. این ماجرا، حالا، به صورت منظومه ای مکتوب در کنار تصویر فرخ در لباس استادی دانشگاه فردوسی مشهد روی دیوار موزه جا خوش کرده است؛ فرخ استاد نامدار عزیز/ که بُود نامش افتخار وطن // رجلی پاک و فاضل و دانا/ شاعری فُخل در مقام سخن // یافت اکنون ز سوی دانشگاه/ لقبی باشکوه و مُشُخَّشَن // یعنی استاد افتخاری شد/ رآنکه بود از سخنوران کهن // گرنیفرود بر فضائل او/ لیک شد چشم دوستان روشن.» دفتر شعر فرخ با اشعاری که او به دستخط خوش خود مکتوب کرده نیز یادبودی از این استاد ادبیات است که در این موزه به چشم می خورد.

محمد قهرمان و بخشی از وسایل شخصی اش بخش دیگری از جذایات های ادبی این فضا به شمار می آیند. یادبود هایی که البته در گالری دوم موزه -که به دوره معاصر یا بعد از انقلاب می پردازد- قرار دارد. قهرمان غرغه ای دارد اینجا که قبل از هر چیز تصویر پرصلاط اوست که در آن به چشم می آید و، پس از آن، آثار و اسنادی متعلق به قهرمان که خانواده اش به موزه اهدا کرده اند. عکس مشهورش در کنار اخوان هم همین جاست. و -به علاوه- کتاب «فرشته مهر» ش که ترانه ها و تصنیف های اوست و چندین دیوان شعر که با مقدمه و تصحیح قهرمان چاپ و منتشر شده اند؛ دیوان ناظم هروی، دیوان ابوطالب کلیم همدانی، دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی

از این دست هستند. در این میان، برخی از ابزارها و ادوات و وسایل شخصی قهرمان هم به چشم می آیند. از جمله خودکاری متعلق به کمپانی «پارکر» که اسم خودش روی آن حک شده است.

● درخشش دانشگاه در عرصه بین المللی

دانشگاه فردوسی و استادان و پژوهشگران آن، در گذر سال ها، باعث وبانی برگزاری و برپایی کنگره ها و اجلاس های کشوری و بین المللی زیادی بوده اند، رویدادهایی که قدم بزرگی در راه شناخت و معرفی ادیبان



جواد راشکی علی آباد: موزه دانشگاه فردوسی مشهد اولین موزه ای است که تاریخ خود را روایت می کند

و ظرفیت ادبی کشور بوده اند، و از آن میان، چند نمونه شهرت بسیاری کسب کرده و حسابی ماندگار شده اند که تصاویری از آن ها اکنون در موزه به چشم می خورد. یک نمونه مشهور از این کنگره ها، کنگره هزاره شیخ طوسی است که از ۲۸ اسفند ۱۳۴۸ تا ۳ ت فروردین ۱۳۴۹ حضور نزدیک به ۵۰ تن از استادان، دانشمندان و اسلام شناسان برجسته از ۲۱ کشور جهان برگزار شد. در تاریخچه این کنگره آمده است که مجموع سخنرانی های عربی و فارسی آن هم، طی سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۴، در سه مجلد، در انتشارات دانشگاه فردوسی به چاپ رسیده اند. همچنین، سه کتاب «اختیار معرفه الرجال» «رجال گشی»، «شرح حال و آثار شیخ طوسی» و «الفهرست» شیخ طوسی نیز در حاشیه همایش منتشر شد. نکته دیگری که این همایش را به یکی از بزرگ ترین و موفق ترین کنگره های ادبی تبدیل کرد؛ ایجاد بستری مناسب برای گفت و گو میان دانشمندان اهل سنت و علمای شیعه بود که وحدت و اتحاد جهان اسلام و تقرب میان مذاهب مختلف را نشان می داد. کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، در شهریور ۴۹، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، و کنگره جهانی ناصر خسرو، که در شهریور ۵۲ با زهم در همین دانشکده برگزار شد، از دیگر دستاوردهای دانشگاه فردوسی است.

● مفاخر بی شمار دانشگاه فردوسی مشهد

مفاخر ادبی، که حالا آثار و اسنادشان در این موزه کنار هم جمع شده است، البته بیش از این هستند؛

سگرمه های گرنیکا



فرماندهی
فرماندهی
فرماندهی

که رو به آسمان جیغ می کشند یا روی زمین غلغیده اند و زیر دست و پا افتاده اند. اسبی که تمام شکوهش را وانهاد و چهره سگ مانند ای دارد، در جیغ کشیدن، انسان های زنده شده را همراهی می کند. لامپی زبونی از سقف آویزان است که توان غلبه بر تاریکی محیط را ندارد، و زمینه تابلو همچنان در سیاهی

استادان و نام آوارانی چون دکتر علی اکبر فیاض، دکتر غلامحسین یوسفی، استاد کاظم مدیر شانه چی، دکتر محمد مهدی رکنی یزدی، دکتر مهدی مشکوة الدینی، علی باقرزاده، دکتر علی شریعتی، دکتر محمد جعفر یاحقی، همه، از کسانی هستند که با دشان و نامشان در مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد می درخشند، استادانی که در جمع استادان نمونه کشوری هم نامشان به چشم می خورد. علاوه بر این ها، ابزارها و ادواتی چون گرامافون قدیمی دانشکده ادبیات، کتاب یادبود «انقلاب سفید» که توسط یکی از کارمندان کتابخانه به دانشگاه اهدا شده، لباس رسمی استادی دکتر یوسفی و وسایل شخصی او، از جمله کیف دستی منقش به نام خودش، و حتی کارنامه تحصیلی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، زمانی که در الهیات تحصیل می کرده است، همه، از جزئیات جذابی است که در این موزه به چشم می آیند. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید، وقتی در سال ۱۳۴۱ چاپخانه دانشگاه با مدیریت دکتر یوسفی فعال می شود، او، طی نامه ای که اکنون در اینجا نگهداری می شود، سهم خودش از سود چاپخانه را به دانشگاه می بخشد. توضیح اینکه بیست درصد از سود و ویژه چاپخانه بین اعضای هیئت مدیره و بازرس تقسیم می شده است.

● دستاوردهای مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد

اما فعالیت های این مرکز، همان طور که به اشاره آمد، فقط بر حفظ و نگهداری دستاوردهای گذشته و گذشتگان متمرکز نیست، این مرکز، همچنین، در همه این سال ها تلاش داشته تا از گذر کارهای علمی و اجرایی مفاخر در گذشته و استادان کنونی

غرق است. لامپ تنها پیکره های بدرختی را روشن کرده است تا بتوانیم آن ها را ببینیم و خود نیز، به جای اینکه فضا را برای دیده های ما روشن کند تا بتوانیم بهتر مشاهده کنیم، تبدیل به چشمی بزرگ شده و به تماشای آدم های تابلو خیره مانده است. ساختار خطوط و سطوح هم در تابلو بریده بریده و مقاطع است، درست مثل بدن انسان ها ... ابعاد تابلو را دوباره مرور کنید؛ گرنیکا از یک دروازه فوتیال هم بزرگ تر است؛ یعنی مخاطبی که رویه روی آن می ایستد را به راحتی می بلعد! تصور کنید، وقتی مقابل گرنیکا می ایستید، این بدن های متورم ناله کتان و در حال استغاثه چطور شما را احاطه می کنند.

احتمالا، نفس آدم بند می آید. در تابلو نه بمب افکنی می بینید نه آدم های ظالم قصاب قسی القلبی که مشغول سلاخی اند، تابلو به سادگی ما را فقط با قربانی ها تنها می گذارد، و مخاطب ناچار است اجازه بدهد سیلی از احساسات بد و منزجرکننده

دانشگاه را راج بنهد. بخشی از این فعالیت ها، چنان که راشکی بر آن ها تأکید دارد، از این قرار است؛ چاپ یادنامه مفاخر و بزرگان دانشگاه با عنوان «روشنان دانشگاه»، همکاری با مؤسسه فرهنگی «بخارا» و برگزاری گرامی داشت بزرگان علمی و ادبی دانشگاه در قالب «شب های بخارا» و انتشار سخنرانی های مراسم در نشریه همان مؤسسه، برگزاری برنامه هایی تحت عنوان «بر خوان تاریخ و فزانگی» به صورت مجازی، برگزاری سلسله نشست های «سپهر سخن» برای معرفی و نقد کتاب های تألیفی استادان دانشگاه، و چاپ و انتشار ویژه نامه های نکوداشت استادان برجسته دانشگاه، به این فهرست می توان فعالیت های دیگری را هم اضافه کرد. فعالیت هایی نظیر راه اندازی جایزه های تخصصی در گرامی داشت بزرگان دانشگاه، از جمله جایزه استاد محمد قهرمان که اولین دوره آن در سال ۱۳۹۷ برگزار شد و تاکنون چهار دوره از آن برگزار شده است. تلاش برای نام گذاری خیابان ها، معابر و اماکن به نام مفاخر و نام آوران دانشگاه هم از کارهای دیگر است. مثل نام گذاری خیابانی به نام استاد محمد واعظ زاده در مشهد و میدانی به نام دکتر ناصررضا اراقمی در نیشابور. همچنین، جمع آوری، طبقه بندی و آرشیوسازی بیش از ۷۰ هزار عکس و بیش از ۳۰۰ هزار برگ سند قدیمی، و بیش از ۱۲۰۰ عکس و تاریخچه در کارنامه فعالیت های این مرکز قرار دارد. به گفته کارشناس این مجموعه، ایجاد کتابخانه آثار تألیف و تصحیح و ترجمه مفاخر و استادان برجسته دانشگاه، ایجاد کتابخانه آثار تحقیقی درباره تاریخ و مفاخر علمی و ادبی دانشگاه، و ایجاد کتابخانه ای از آثار منتشر شده در چاپخانه و انتشارات دانشگاه (نزدیک به سه هزار عنوان کتاب، اعم از تألیفات، تحقیقات و منشورات دانشگاه، جمع آوری شده است) نیز از جمله این فعالیت هاست.

از گذرگاه تنگ سینه اش عبور کند. شاید به جرئت بتوان گفت که این بهترین شیوه برای انتقال مضمون بوده که پیکاسو نبوغ خودش را برای آن خرج کرده است. هیچ روش دیگری نمی توانست چنین نفرتی را علیه نیروهای نازی برانگیزد. در حالی که در تابلو هیچ سربازی نمی بینید! در این شیوه، هنرمند، به جای اینکه خطابه ای پرسوز و گداز ردیف کند و درباره ستمی که بر مردم غیرنظامی گرنیکا رفته داد سخن دهد و سعی کند با توصیفات آیکی و سانتیمانثال عواطف ما را تحریک کند، فقط یک کار ساده انجام می دهد؛ ما را با پیکره های غول آسای زخم خورده ای تنها می گذارد، که تاله های بی صدایشان سرسام می آورد، و صد ها برابر بهتر و عمیق تر به مقصودش می رسد.

(ادامه دارد.)

با احترام عمیق به شهپارای مندی پور که بسیار عزیز است، و جهان افسونگر و خواب گونه داستان هایش. زنده باد!